

نکاتی چند از عملیات کربلای ۴ در گفت‌وگوی «جوان» با سردار عبدالکریم علیزاده

# غواصان فداکاری کردند تا جان سایر رزمندگان حفظ شود

**■ احمد محمدتبریزی**
سال ۱۳۶۵ به دلیل انجام دو عملیات بزرگ کربلای ۴ و کربلای ۵ در تاریخ دفاع مقدس از اهمیت زیادی برخوردار است. عملیات کربلای ۴ در تاریخ ۵ دی ۱۳۶۵ انجام شد و با مسائل و مشکلات مختلفی روبه‌رو گشت. صحبت درباره عملیات کربلای ۴ زیاد است و به منظور روشن شدن زوایای مختلف این عملیات با یکی از پیشگسوتان دفاع مقدس، سردار عبدالکریم علیزاده، از نیروهای حاضر در عملیات به گفت‌وگو پرداختیم.
علیزاده که در چندین عملیات به عنوان غواص حضور داشته، در گفت‌وگو با «جوان» از مسائل اطلاعاتی عملیات و کار بزرگان غواصان می‌گوید.
**■ ■ ■**

**انجام یک عملیات بزرگ در مقیاس کربلای ۴ آن هم در آن بره زمانی برای شما و دیگر رزمندگان توجیه شده بود؟ می‌خواهیم بدانیم اهمیت چنین عملیاتی را چطور ارزیابی می‌کردید؟**
عملیات کربلای ۴ یک عملیات تکلیفی بود که تحت فشار نظامی، سیاسی و منطقه‌ای قرار داشت. شرایط به گونه‌ای بود که نیروهای مسلح می‌خواستند تکلیف جنگ را مشخص کنند. نظر بر این بود که منطقه حساسی را از عراق بگیریم بعد پای میز مذاکره برویم. معتقد بودند منطقه فاو به خاطر دورافتادگی و کمی جمعیت خیلی اهمیت استراتژیک ندارد، اما شرق بصره سرزمین حساس و گذرگاهی استراتژیک بود که اگر می‌توانستیم از نیروهای عراقی بگیریم دست بالا را در مذاکره داشتیم. البته بسیاری از نیروهای اطلاعاتی و فرماندهان نسبت به انجام این عملیات تردید داشتند. ما که رزمنده‌ساده بودیم می‌دانستیم به خاطر نزدیکی لجن‌ها به همدیگر و حساسیت عراقی‌ها به شروق بصره، انجام عملیات از حساسیت‌های زیادی برخوردار است. زمین مسلح و امکانات ما برای عبور از چند آبگرفتگی بی در پی محدود بود و بعید به نظر می‌رسید غافلگیری صورت بگیرد. در مناقضین هم تمام‌عیار با صدام بودند و داخل ایران فعالیت‌های وسیعی داشتند. حتی در عمق و در داخل تشکیلات سنادی پشتیبانی جنگ هم جاسوس‌های منافقین و ستون پنجم به نفع صدام کار می‌کردند. کربلای ۴ در چنین شرایطی انجام شد. عملیات کربلای۴ بیش از آن چیزی که فکر می‌کردیم لو رفته بود.

**پس در کنار مسائل امنیتی و اطلاعاتی یک بخشی از مشکلات رزمندگان، زمین منطقه عملیاتی هم بود؟**

من در لشکر ۷ ولی عصر (عج) حضور داشتم و محور جزایر مجنون دست ما بود. ناظر عملیات بودم و از شرایط غواصان و آموزش‌هایشان اطلاع داشتم. غواصانمان همان نیروهای مجرب عملیات والفجر ۸ بودند و از نظر توانایی نیروهای رزمنده مشکلی نداشتیم. مشکل ما زمین و تسلط دشمن بر زمین و حوزه عملیات بود. کوچکی عقبه‌های نیروهایی که درگیر بودند از مشکلات دیگر بود. یعنی عقبه چندین لشکرمان روی جاده شلمچه و منطقه عمومی شلمچه می‌افتاد و جای پهناور و وسیعی نبود تا یگان‌ها بتوانند از تمام استعدادشان استفاده کنند. منطقه نسبت به یگان‌های عمل کننده بسیار محدود و کوچک بود و عقبه تنگی داشتیم و تنها باید از یک مسیر وارد عملیات می‌شدیم.

**یا توجه به اینکه شما نیروی اطلاعات عملیات بودید از دید خودتان همه**

**موارد امنیتی کامل رعایت شده بود؟**

شناسایی‌های اطلاعات عملیات در عمق نبود. ما مشکلی از عمق نداشتیم و از فشردگی یگان‌های دشمن اطلاع داشتیم. البته تجربه‌نشان داده بود نیروهای اطلاعات امکان ورود به عمق را ندارند چراکه ورود نیروها دشمن را حساس می‌کند. یعنی‌ها هم منطقه را طوری برنامه‌ریزی کرده بودند تا نیروها در عمق شناسایی انجام ندهند و شناسایی‌ها بیشتر از طریق دیده‌بانی، هواپیما و عکسبرداری و کارهای دیگر انجام می‌شد. نیروهای دشمن در منطقه شلمچه و غرب بصره فشردگی زیادی داشتند. ما می‌دانستیم شاید دشمن از انجام عملیات اطلاع داشته باشد و مثل عملیات والفجر ۸ غافلگیر نشوند. منطقه عملیاتی خیلی مسطح بود و آبگرفتگی‌های مصنوعی و طبیعی زیادی وجود داشت. دریاچه ماهی عراق به طول ۴۰ و عرض یک کیلومتر کم‌ریند حالتی بود که ما را محدود می‌کرد تا تنها از یکی از رأس‌های دریاچه وارد شویم. دریاچه‌ماهی عراق یک دریاچه مصنوعی برای پرورش ماهی بود و خودش یک مانع به حساب می‌آمد. گذرگاه‌های جنوبی هم جاده و زمین خاکی و باتلاقی بود و محدودیت داشت. لذا ما از سمت پایین از منطقه جزیره فیاض و جزیره سهپیل که از روند صغیر و کبیر به آن می‌گوییم وارد شدیم که تله‌های امنیتی نظامی عراقی‌ها قرار داشت.

لشکر ۷ که درگیر شد حتی نیروهایش از اروند هم ورود کردند ولی تعدادی از نیروها به خاطر وضعیت زمین شهید و اسیر شدند. لشکر ۷ ولی عصر (عج) از باب توانمندی امنیتی عبور را به‌درستی انجام داد ولی همین عبور یک تله بود و آنها به جبهه‌شان شکم داده بودند تا نیروهای واردشونده درون یک حلقه محاصره بیفتند. دشمن یک نیم‌دایره از ساحل عقب‌نشینی کرده بود و وقتی که نیروها وارد منطقه عملیات و خطوط لجن شدند از پشت عقبه‌شان را مسدود کردند و آتش سنگینی را روی عقبه‌های دور دست ما در شلمچه و جزیره مینو ایجاد کردند که باعث شد دستور عقب‌نشینی داده شود.

**گفته می‌شود پیش از شروع عملیات تحرکات دشمن مشهود بود که خبر آمادگی‌شان می‌داد. چطور با وجود آمادگی دشمن باز عملیات انجام شد؟**
دشمن از قیل می‌دانست و منافقین را هم به کار گرفته بود. منافقین در تهران، اصفهان و عقبه‌های جبهه در پلدختر و قرارگاه‌فاو نفوذ کرده بودند. یک نفوذ حساب شده داشتند و عملیات کربلای ۴ از تهران لو رفته بود. ما در

عملیات والفجر ۸ از تش عراق را فریب دادیم و در منطقه فاو که وارد شدیم تا سه روز اول فرماندهان یعنی گنج بودند. چون ارتش عراق با اطمینان می‌گفت عملیات ایران در شلمچه است و در فاو نیست. روز سوم باورشان شد که فریب خورده‌اند. فرماندهانشان می‌گفتند عملیات ایران در جزیره مینو و شلمچه خواهد بود و اصلاً فکر نمی‌کردند در فاو باشد، اما عملیات کربلای ۴ را از ۱۰ روز قبل شاید هم بیشتر می‌دانستند ما در این منطقه قطعاً عملیات خواهیم کرد. تمام ظرفیت‌های اطلاعاتی‌شان را به کار گرفته بودند. البته هماواره‌های جاسوسی شوروی و دیگر کشورهای غربی هم در اختیار عراقی‌ها بود. ارتش عراق در این عملیات غافلگیر نشد و جبهه را طوری طراحی کرد تا نیروهای خط‌شکن و غواصان ما وارد شکمشان شود و بعد پشت این نیروها را ببیند.

**آیا ما می‌دانستیم این عملیات لو رفته است یا در حین انجام عملیات متوجه لو رفتن عملیات شدیم؟**

تصور خودم این است که چون عملیات کربلای ۴ یک عملیات تکلیفی بود، فرماندهان رغبتی برای لغو عملیات نشان نمی‌دادند. خودم شخصاً به چند تن از فرماندهان گفتم که اگر نندهم‌هایی که در عملیات کربلای ۴ کمی با غرور هم آغشته شده بود. ما همان یگان‌هایی بودیم که از اروند عبور کرده بودیم و همین غرور باعث شده بود خیلی مسائل را نادیده بگیریم. یک غرور حماسی و بیمان وجود داشت که باعث غفلت‌مان شد.

**حکلی گفته‌شده که در عملیات کربلای ۵ عراقی‌ها پیدا شد؟**

منافقین تمام ظرفیت‌های اطلاعاتی‌شان از



در جریان عملیات کربلای ۴، غواصان با لباس‌های مخصوص و تجهیزات ویژه، در کایب‌های شنا دریاچه ماهی عراق، عملیات فشرده‌ای را برای نفوذ به عمق انجام دادند.

می‌توانستند برگردند ولی غواصان ماندند و عملیات تأخیری انجام دادند تا نیروهای عراقی به اروند نرسند. این درگیری باعث شد قایق‌ها و نیروهای شناور بتوانند عقب‌نشینی را با سلامت انجام دهند. اگر غواصان نمی‌ماندند و آن کار جوانمردانه را انجام نمی‌دادند تلفات ما دو برابر می‌شد. اینها تأخیر کردند تا عقب‌نشینی کامل نیروها انجام شود. بیشتر شهدای این عملیات غواصان و نیروهای خط‌شکن بودند که با درگیری‌شان ایثار و از خودگذشگی زیادی نشان دادند و باعث شدند نیروهای عقب‌نشینی‌کننده سالم برگردند. نیروهای غواص در هزار متری ساحل ماندند و دفاع کردند و نیروهای عراقی زمانی به ساحل اروند رسیدند که ۹۰ درصد نیروهای ما عقب‌نشینی را انجام داده بودند.

**غواصان قبل از روبه‌رو شدن با دشمن یک نبرد سنگین با آب‌های سرد و خروشان داشتند و در این عملیات و عملیات‌های دیگر فداکاری و از خودگذشتگی زیادی از خود نشان دادند.**

پدیده غواصان در جنگ جزو معجزات جنگ بود. ما زمانی که می‌خواستیم آموزش‌های غواصی را ببینیم چهار ماه با تمام امکانات و بهترین مربیان غواصی را یاد گرفتیم، اما در دفاع مقدس ما ۳۵۰ غواص که بر برخی از آنها تازه به نوجوانی و جوانی رسیده بودند داشتیم و در فرماندهی می‌گفتند چطور باید با این شرایط سخت این غواصان را آموزش داد. آموزش غواصان سخت و دشوار بود و با این حال ما آن زمان می‌گفتمیم اگر اینها عشق و علاقه داشته باشند ۹۰ درصد مشکلات حل است و ۱۰ درصد بقیه امکانات است. همین معجزه هم رخ داد و وقتی ۳۵۰ غواص را داخل آب انداختیم توانستیم ۱۰ نفر از اینها را به دلیل نداشتن شرایط جسمانی یا مشکلات دیگر حذف کنیم. خطرات را که برایشان می‌گفتمیم بیشتر عاشق می‌شدند و کسی حاضر نبود از لیست غواصان خط بخورد. مجبور شدیم ۵۰ تا را خط بزنیم چون برای والفجر ۳۰۰ غواص می‌خواستیم و در آخر به زور توانستیم ۲۰ نفر را با ناتوانی خط بزنیم. غواصان بسیار با ایمان و با خودگذشته بودند. آن سرمای طاقت‌فرسا در زمستان‌های جنگ بدون امکانات خودش یک جنگ با بدن ضعیف و تحریف رزمندگان بود. غواصان در جنگ تحول بزرگی ایجاد کردند واگر ما غواصان را نداشتیم قطعنامه ۵۹۸ در شورای

امنیت تصویب نمی‌شد. این قطعنامه با عبور غواصان در جنگ تحول بزرگی ایجاد کردند واگر ما غواصان را نداشتیم قطعنامه ۵۹۸ در شورای امنیت تصویب نمی‌شد. این قطعنامه با عبور غواصان در جنگ تحول بزرگی ایجاد کردند واگر ما غواصان را نداشتیم قطعنامه ۵۹۸ در شورای امنیت تصویب نمی‌شد. این قطعنامه با عبور غواصان در جنگ تحول بزرگی ایجاد کردند واگر ما غواصان را نداشتیم قطعنامه ۵۹۸ در شورای امنیت تصویب نمی‌شد. این قطعنامه با عبور غواصان در جنگ تحول بزرگی ایجاد کردند واگر ما غواصان را نداشتیم قطعنامه ۵۹۸ در شورای

**کربلای ۴ با وجود تمام مشکلات چه دستاوردهایی برایمان داشت؟**

تراز‌دی‌ای که در کربلای ۴ برایمان پیش آمد دشمن را مغرور کرد. دشمن سه روز جشن اعلام کرد و نیروهایش که ۴۰ روز در آماده‌باش کامل بودند را به مرخصی فرستاد. همه فرماندهانشان دنبال عیاشی‌هایشان رفتند و ما کربلای ۵ را در ناامیدی اما با اراده زیاد انجام دادیم. زمانی که فرماندهان امید زیادی به موفقیت نداشتند یک گذرگاهی به داخل لجن عراقی‌ها توسط لشکر ۱۹ فجر به فرماندهی سردار نبی رودکی به فرماندهی کل گزارش شد و همین گزارش سبب شد تا عملیات بزرگ کربلای ۵ با فاصله بسیار کمی از کربلای ۴ انجام شود. رزمندگان با اراده‌ای مثال‌زدنی از آن رخنه وارد شدند و عملیات بزرگ کربلای ۵ را با موفقیت انجام دادند. کربلای ۵ در برنامه عملیاتی‌مان نبود ولی با توجه به اتفاقات پیش آمده عملیات با حدالغیاب و باقی‌مانده انجام شد.

### گزارش



فرمانده گردان امام رضا(ع) از شهدای شاخص کربلای ۴ «سردار زهرایی» با ذکر یاد زهرا شهید شد

**■ آرمان شریف**
عملیات کربلای ۴ رزمندگان و فرماندهان بنامی را گلچین کرد که شهید محمد اسلامی‌نسب یکی از آنها بود. فرمانده گردان امام رضا(ع) را به واسطه اخلاق و ویژگی‌های خاص رفتاری‌اش می‌شناسند. مردی معتقد و مخلص که از همان نخستین روزهای دفاع مقدس شجاعت و قدرت و بی‌نیش فرماندهی خود را به نمایش گذاشت و در طول جنگ به یکی از چهره‌های تأثیرگذار تبدیل شد.
**■ ■ ■**

زمان زیادی از تجاوز دشمن یعنی و شروع رسمی جنگ نگذشته بود که گروهی ۷۰ نفره از شهر شیراز به سمت خوزستان کانون حادثه حرکت کرد. یکی از پیشقرولان سپاهیان فارس، محمد اسلامی‌نسب بود. هر چه از جنگ بیشتر می‌گذشت نام‌اسلامی‌نسب بیشتر بر سر زبان‌ها می‌افتاد و رزمندگان بیشتری شیفته رفتار و کردارش می‌شدند. صرف‌نظر از مسائل نظامی، محمد اسلامی‌به دلیل ارادتی که به حضرت زهر(اس) داشت در میان رزمندگان به سردار زهرایی معروف شد. دامنه‌ای این شهرت حتی به سال‌های پس از شهادت ایشان نیز کشیده‌شد. این شهید ارادت‌ویزایی به حضرت زهر(اس) داشت و ذکر مبارک «فاطمه‌الزهره» همواره بر لبشان بود.

شهید اسلامی وقتی نام حضرت را می‌شنید، حالی به او دست می‌داد که وصف شدنی نبود. بارزترین حالتش، خیس شدن چشم‌ها و جاری شدن قطرات اشک بود. آیتخان اشک می‌ریخت که تمام اطرافیان را متأثر می‌کرد. گویی تمام مصیبت‌های آن حضرت را با تمام وجود درک کرده‌است. توسل به حضرت در کار هم از ایشان جدا نبود. چه مسائل فرهنگی و آموزشی و چه عملیات‌هایی که شرکت می‌کرد، نقطه شروع و پایان کار‌هایش با توسل به ائمه(ع) و معصومین به‌خصوص این بانوی بزر گوشت بود. محمد اسلامی در سال ۱۳۶۳ در منطقه سومار در حادثه بمباران یادگان ابوذر به‌شدت از ناحیه چشم مجروح شد، مجروح‌وحشی که تا مرز نابینا

شده بود. او در دست می‌داد که وصف شدنی نبود.

در سحرگاه چهارم دی ماه

گل‌وله‌ای به سینه و گلوئی محمد نشست و او در آغوش بی‌سیمچی‌اش به شهادت رسید.

شهید محمد اسلامی‌نسب در

عملیات کربلای ۴ با رزمز مبارک یسا محمد(ص) به شهادت رسید

بارزترین حالتش، خیس شدن چشم‌ها و جاری شدن قطرات اشک بود. آیتخان اشک می‌ریخت که تمام اطرافیان را متأثر می‌کرد. گویی تمام مصیبت‌های آن حضرت را با تمام وجود درک کرده‌است. توسل به حضرت در کار هم از ایشان جدا نبود. چه مسائل فرهنگی و آموزشی و چه عملیات‌هایی که شرکت می‌کرد، نقطه شروع و پایان کار‌هایش با توسل به ائمه(ع) و معصومین به‌خصوص این بانوی بزر گوشت بود.

محمد اسلامی در سال ۱۳۶۳ در منطقه سومار در حادثه بمباران یادگان ابوذر به‌شدت از ناحیه چشم مجروح شد، مجروح‌وحشی که تا مرز نابینا

۶	۲	۳			
		۵	۱		
۸		۴	۳	۶	
			۴		
	۳		۸		
			۲		
		۹	۸		
		۳	۴	۷	۵
			۸		
			۱	۷	

■ پاسخ جدول شماره ۵۵۴۶

۷	۷	۸	۱	۸	۱	۷	۷
۸	۳	۸	۷	۷	۷	۱	۸
۸	۷	۷	۸	۱	۷	۷	۸
۷	۷	۸	۱	۸	۷	۷	۸
۷	۷	۸	۱	۸	۷	۷	۸
۷	۷	۸	۱	۸	۷	۷	۸
۷	۷	۸	۱	۸	۷	۷	۸
۷	۷	۸	۱	۸	۷	۷	۸
۷	۷	۸	۱	۸	۷	۷	۸
۷	۷	۸	۱	۸	۷	۷	۸
۷	۷	۸	۱	۸	۷	۷	۸
۷	۷	۸	۱	۸	۷	۷	۸
۷	۷	۸	۱	۸	۷	۷	۸
۷	۷	۸	۱	۸	۷	۷	۸
۷	۷	۸	۱	۸	۷	۷	۸

۷	۷	۸	۱	۸	۷	۷	۸
۷	۷	۸	۱	۸	۷	۷	۸
۷	۷	۸	۱	۸	۷	۷	۸
۷	۷	۸	۱	۸	۷	۷	۸
۷	۷	۸	۱	۸	۷	۷	۸
۷	۷	۸	۱	۸	۷	۷	۸
۷	۷	۸	۱	۸	۷	۷	۸
۷	۷	۸	۱	۸	۷	۷	۸
۷	۷	۸	۱	۸	۷	۷	۸
۷	۷	۸	۱	۸	۷	۷	۸
۷	۷	۸	۱	۸	۷	۷	۸
۷	۷	۸	۱	۸	۷	۷	۸
۷	۷	۸	۱	۸	۷	۷	۸
۷	۷	۸	۱	۸	۷	۷	۸
۷	۷	۸	۱	۸	۷	۷	۸



ارتباط با ما ۸۸۴۹۸۸۱

### جدول سودوکو

ارقام ۹تا۹راطوری قرار دهید که

در هر ردیف، ستون و مربع‌های

کوچک سه در سه فقط یک بار

به کار روند

### جدول کلمات متقاطع

در هر ردیف، ستون و مربع‌های کوچک سه در سه فقط یک بار به کار روند

در هر ردیف، ستون و مربع‌های کوچک سه در سه فقط یک بار به کار روند

در هر ردیف، ستون و مربع‌های کوچک سه در سه فقط یک بار به کار روند

در هر ردیف، ستون و مربع‌های کوچک سه در سه فقط یک بار به کار روند

در هر ردیف، ستون و مربع‌های کوچک سه در سه فقط یک بار به کار روند

در هر ردیف، ستون و مربع‌های کوچک سه در سه فقط یک بار به کار روند

در هر ردیف، ستون و مربع‌های کوچک سه در سه فقط یک بار به کار روند

در هر ردیف، ستون و مربع‌های کوچک سه در سه فقط یک بار به کار روند

در هر ردیف، ستون و مربع‌های کوچک سه در سه فقط یک بار به کار روند

در هر ردیف، ستون و مربع‌های کوچک سه در سه فقط یک بار به کار روند

در هر ردیف، ستون و مربع‌های کوچک سه در سه فقط یک بار به کار روند

در هر ردیف، ستون و مربع‌های کوچک سه در سه فقط یک بار به کار روند

در هر ردیف، ستون و مربع‌های کوچک سه در سه فقط یک بار به کار روند

در هر ردیف، ستون و مربع‌های کوچک سه در سه فقط یک بار به کار روند

در هر ردیف، ستون و مربع‌های کوچک سه در سه فقط یک بار به کار روند

در هر ردیف، ستون و مربع‌های کوچک سه در سه فقط یک بار به کار روند

در هر ردیف، ستون و مربع‌های کوچک سه در سه فقط یک بار به کار روند